

جایگاه و اهمیت علم و تحقیق در اسلام

● سید حسام الدین حسینی*

چکیده:

در این مقاله برآنیم تا جایگاه و اهمیت علم و تحقیق و پژوهش در اسلام، به گونه ای مختصر و سودمند بررسی و نمایانده شود. با توجه به تأکیدات مکرر قرآن کریم و احادیث شریف حضرات معصومین (علیهم السلام) مبنی بر کسب علم و معرفت و لزوم دستیابی به بصیرت و تدام تفکر و تعقل و عدم پذیرش هرگونه سخن و عمل غیر علمی و فاقد تحقیق، و تکریم و بزرگداشت مقام علم و علما، به وضوح می توان به جایگاه رفیع و منبع علم و پژوهش پی برد. در این نوشتار، ضمن بیان آیات متعددی از قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام)، روشهای رشد و گسترش علم و تحقیق نیز مطرح و در خاتمه، ویژگیهای و خصایص یک عالم و محقق هم تبیین گردیده است.

واژگان کلیدی: *واژه‌های تحقیقات کامپوزر علوم اسلامی*

علم: (science)؛ تحقیق: (investition)؛ قرآن و حدیث: (Quran and hadith)؛

تمدن اسلام: (Islamic civilization)؛ روشهای گسترش علم و تحقیق:

(the methods of development of science and investigation)؛ ویژگیهای محقق:

(characters of investigaton)

تحقیق در لغت به معنای «بررسی کردن، درست کردن و رسیدگی کردن» است؛ و در اصطلاح، فعالیت‌های قدم به قدم فکری است که برای کشف واقعیتها و منطبق کردن اندیشه با واقعیت و با هدف حل مسأله و پاسخ به سؤال انجام می‌شود. به عبارتی دیگر، تحقیق یعنی: ۱- جستجوی حقیقت؛ ۲- مقابله فکر و اندیشه با واقعیت؛ ۳- فعالیتی منظم که هدف آن گسترش دانش است.

تحقیق و پژوهش پیشنیاز فعالیت‌های علمی و کلید فهم و درک مطالب است. علت نیاز به تحقیق، محدودیت دید و ورود توهمات و تخیلات در فضای فکر و اندیشه است. تحقیق به دنبال تفکیک واقعیتها از توهمات و خیالات بوده و زندگی ظاهری و باطنی انسان در صورتی رشد و بقاء دارد که بر اساس واقعیتها استوار گردد و هماهنگ با قوانین و معادلات خلقت باشد. تحقیق انسان را قادر می‌سازد که حرکت به سوی اهداف خود را کنترل کرده و با پیش بینی و هوشیاری گام بردارد.^۱

جایگاه علم و تحقیق از دیدگاه قرآن:

قرآن کاملترین و جامع ترین و بدون خدشه ترین کتابی است که بر جهان بشریت عرضه شده است: «ما فرطنا فی الكتاب من شیء» (انعام / ۳۸) «و انه للكتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید» (فصلت / ۴۲).

این کتاب بزرگ آسمانی که خود را چون نور روشنگر راه بشر معرفی می‌کند: «مائده / ۱۵» هرگونه گفتار یا کرداری را که از روی علم و تحقیق و شناخت نباشد نفی می‌کند و به همین دلیل در بسیاری از آیات این عبارات مشاهده می‌شود: «لعلکم تعقلون، لعلکم تتفکرون، ان فی ذلک لآیات لاولی الالباب و ...» و در همین راستا علت بدسرانجامی و بدبختی و جهنمی شدن جن و انس را نبود ژرف اندیشی و نداشتن بینش و فهم لازم دانسته است: «و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الانس لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم آذان لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون» (اعراف / ۱۷۹) و از آنجا که انسانها تا به ناتوانی و نادانی خویش پی نبرند به دنبال کسب آگاهی و علم و تحقیق نمی‌روند، خداوند ابتدا با اعجاز در بیان، آنان را خاضع و رام خود ساخت و پس

از آنکه ناتوانی آنان را در مقابله با عظمت قرآن به اثبات رساند و به آنها نشان داد که این کتاب معجزه الهی است (بقره / ۲۳) آنها را از هرگونه عمل نابخردانه و غیر علمی و بدون تحقیق بازداشت «و لا تقف ما لیس لک به علم»: (اسراء/۳۶) و از طرفی منشأ خطا و گمراهی آنان را پیروی از گمانهای باطل دانست: «قل هل عندکم من علم فتخرجوه لنا ان تتبعون الا الظن» (انعام / ۱۴۸) و از طرف دیگر شیوه خود را در دعوت از مردم به پیروی از فرامین پیامبر، بر اساس بینش و بصیرت معرفی کرد: (یوسف / ۱۰۸) و بر همین اساس مردم را در انتخاب دین آزاد گذاشت: «لا اکره فی الدین قد تبین الرشد من الغی» (بقره / ۲۵۶). بنابراین اگر در جای جای این کتاب بزرگ الهی، انسان به سیر در آفاق و انفس دعوت شده است هدفی جز این نبوده است که انسان با بصیرت و بینش، به فرامین الهی گردن نهد نه از روی جهل و ترس؛ آنچنانکه در آیه ۴۶ سوره حج می‌فرماید: اقلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها او آذان یسمعون بها فأنها لا تعمی الابصار و لکن تعمی القلوب الّتی فی الصدور و در آیه ۹۸ سوره انعام می‌فرماید: و هو الذی انشاءکم من نفس واحده فمستقر و مستودع قد فصلنا الایات لقوم یفقهون.

در آیات ۱۹۱ و ۱۹۰ سوره آل عمران، پرستشگران و ایمان آورندگان به خداوند و قیامت را کسانی می‌دانند که اهل عقل و تفکر و خرد ورزی هستند: «ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات لاولی الالباب، الذین ینذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النار»

از آنچه گفته شد چند نکته برداشت می‌شود:

- ۱- قرآن بر اساس علم و تحقیق، حقانیت و آسمانی بودن خود را به مردم اثبات کند (بقره / ۲۳)
- ۲- قرآن انسان را از هر نوع عملی که مبنای علمی و تحقیقی ندارد برحذر می‌دارد. (اسراء / ۳۶)
- ۳- قرآن منشأ خطا و گمراهی بشر را کنار نهادن علم و تحقیق و پیروی از گمان‌داند (انعام / ۱۴۸)
- ۴- قرآن دعوت پیامبر به اسلام را بر اساس بینش و بصیرت معرفی می‌کند نه اکره

۵- قرآن بخاطر اینکه بشر در پیروی از فرامین الهی دچار تزلزل و انحراف نشود او را به تفکر در آفاق و انفس فرا می‌خواند و نشانه اهل ایمان را داشتن عقل و تفکر معرفی می‌کند (حج / ۴۶ و آل عمران / ۱۹۱ - ۱۹۰)

جایگاه و نقش علم و تحقیق در رشد تمدن اسلامی

به جرأت می‌توان گفت که همین آیات و احادیث پیامبر همچون «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» بود که نهضتی علمی و معرفتی را در مسلمانان ایجاد کرد و آنان را تا قله‌های علم و تحقیق پیش برد، شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «جوشش و جنبش علمی مسلمین از مدینه آغاز شد. اولین کتابی که اندیشه مسلمین را به خود جلب کرد و مسلمین در پی درس و تحصیل آن بودند، قرآن و پس از قرآن احادیث بود. این بود که اولین بار عرب حجاز در مدینه با مسأله استادی و شاگردی و نشستن در حلقه درس و حفظ و ضبط آنچه از استاد می‌شنوند، آشنا شد. مسلمین با حرص و ولع فراوانی آیات قرآن را که تدریجاً نازل می‌گشت فرا می‌گرفتند و به حافظه می‌سپردند و آنچه را که نمی‌دانستند از افرادی که رسول خدا (ص) آنها را مأمور کتابت آیات قرآن کرده بود و به کتاب وحی، معروف بودند می‌پرسیدند. به علاوه بنا به توصیه‌های مکرر رسول خدا (ص) سخنان آن حضرت را که به سنت رسول معروف بود از یکدیگر فرا می‌گرفتند. در مسجد پیامبر رسماً حلقه‌های درس تشکیل می‌شد و در آن حلقه‌ها به بحث و گفتگو درباره مسائل اسلامی و تعلیم و تعلم پرداخته می‌شد. «روزی رسول خدا (ص) وارد مسجد شد و دید دو حلقه در مسجد تشکیل شده است، در یکی از آنها افراد به ذکر و عبادت مشغولند و در یکی دیگر به تعلیم و تعلم، پس از آنکه هر دو را از نظر گذراند فرمود: «کلاهما علی خیر و لکن بالتعلیم ارسلت» یعنی هر دو جمعیت کار نیک می‌کنند اما من برای تعلیم فرستاده شده‌ام. رسول خدا (ص) آنگاه رفت و در حلقه ای که آنجا تعلیم و تعلم بود نشست. (به نقل از منیة المرید شهید ثانی / صفحه ۵).

بعد از مدینه، عراق محیط جنب و جوش علمی گشت. در عراق ابتدا دو شهر بصره و کوفه مرکز بودند. اما پس از بنای بغداد آن شهر مرکز علمی شد و در آن شهر بود که علوم ملت‌های دیگر به جهان اسلام منتقل گشت، بعدها ری و خراسان و ماوراءالنهر و

مصر و شام و اندلس و غیره هر کدام به صورت یک مهد علمی درآمدند. جرجی زیدان (در کتاب تاریخ تمدن اسلام صفحه ۲۶۴) پس از آنکه همت و تشویق امرا و حکام مسلمانان را به عنوان یک عامل بسیار مؤثر یاد می‌کند، می‌گوید: دانش پروری و علم دوستی بزرگان اسلام سبب شد که روز به روز مؤلف و کتاب در قلمرو اسلام فزونی یابد و دایره تحقیق وسعت پیدا کند، پادشاه و وزیر و امیر و دارا و نادار، عرب و ایرانی و رومی و هندوی و ترک و یهود و مصری و مسیحی و دیلمی و سریانی در شام و مصر و عراق و فارس و خراسان و ماوراءالنهر و سند و آفریقا و اندلس و غیره در تمام شبانه روز به تألیف مشغول شدند و خلاصه آنکه هر جا اسلام حکومت می‌کرد علم و ادب به سرعت پیشرفت می‌نمود. در این تألیفات گرانبها خلاصه ای از تحقیقات بنی نوع انسان از روزگار پیشین تا آن زمان دیده می‌شد و مباحث مهمی از علوم طبیعی الهی و نقلی ریاضی ادبی عقلی در کتب جمع شده بود و در نتیجه تحقیقات علمای اسلام، علوم مزبور دارای شعب متعدد گشت.^۱

البته سخن در ابعاد این نهضت علمی و تأثیر آن در رشد و گسترش فرهنگ علم و تحقیق و تمدن اسلامی بسیار است اما چون مجال اندک است به همین مقدار بسنده کنیم و خوانندگان را برای مطالعه بیشتر به کتبی که در مورد تاریخ تمدن اسلام نوشته شده است ارجاع می‌دهیم.

جایگاه علم و تحقیق از دیدگاه احادیث

از آنجا که اسلام آخذین دین الهی و کاملترین آنان است: (آل عمران / ۸۵) بنا بر این ما ادعای آنرا داریم که اسلام در هر زمینه ای و از جمله علم و تحقیق معیارها و ملاکهایی برای بشر تعیین نموده است تا او بتواند در طی مسیر زندگی، مسیر سعادت را به نحو مطلوب طی کند و به سرمنزل مقصود برسد. لذا در این قسمت به بررسی احادیثی پردازیم که روشهایی را برای رشد و گسترش علم و تحقیق و بهره بردن از برکات آن ارائه نمودند:

۱. خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۴۳۷ - ۴۳۸.

الف - تا کیدبر بالا بردن توان عقلانی:

اولین اصلی که در علم آموزی باید رعایت شود قوت عقل و ادراک است. زیرا عقل چون توانا شود به سرعت در نیل به مقصود موفق خواهد شد. لذا یکی از مهم ترین اهداف کسب علم، افزایش قدرت عقلانی بشر است آنچنانکه امام صادق (ع) می فرماید: «کثره النظر فی العلم یفتح العقل»^۱ (تحصیل علم و دانش مایه تقویت و تأیید عقل آدمی است). همچنین امام علی (ع) می فرماید: «عقل غریزه ای است که با کسب علم و تجربه افزایش می یابد»^۲.

قوت عقل و ادراک، آنچنان مهم و کارساز است که شرط و معیار اصلی نبوت شمرده شده است؛ آنچنانکه رسول اکرم (ص) فرموده است: «هیچ پیامبری از طرف خداوند به نبوت برانگیخته نشد مگر اینکه عقلش به کمال رسید و عقلش از عقل همه مردم زمانش برتری یافت»^۳.

بنابراین کسانی که عهده دار امر تحقیق و علم آموزی می شوند نیز باید از این کمال برخوردار شوند تا راههای رشد و گسترش بهینه تحقیق علمی را کشف نموده و در جامعه رواج دهند.

ب: روحیه علم آموزی و تحقیق باید از کودکی در انسان بوجود آید:

امام علی (ع) فرمود: «من لم یتعلم فی الصغر لم یتقدم فی الکبر»^۴ آن کسی که در کودکی به کسب علم و دانش نپردازد، در بزرگسالی رشد و پیشرفتی در جامعه نخواهد داشت. بنابراین باید شیوه آموزش و پرورش در جامعه اسلامی به گونه ای باشد که از همان اول کودکی، کودکان محقق تربیت شوند نه مقلد و حفظ کننده صرف، و ملاکنمره دادن در دروس به گونه ای باشد که نوآوری و تحقیق نیز در آن لحاظ شود و آنچنانکه در روایات آمده است ذهن کودک فعال شود و در صدد سؤال کردن برآید: قال المعصوم: ان هذا العلم علیه قفل و مفتاحه المسأله^۵ (بر در علم و دانش قفلی است که با سؤال و پرسش

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۵۲.

۲. غررالحکم، ص ۶۷.

۳. سفینة البحار، واژه عقل.

۴. غررالحکم، ص ۶۹۷.

۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۹.

گشوده می‌شود) و یا در روایتی امام باقر می‌فرماید: (ألا مفتاح العلم السؤال)^۱: بدانید که کلید دانش و رسیدن به عرصه‌های جدید، سؤال است.

و ما نیک می‌دانیم که تحقیق صورت نخواهد گرفت مگر اینکه در ذهن محقق سوالی پدید آید و او را به فکر و اندیشه وا دارد.

امام علی (ع) می‌فرماید: فضل فکر و فهم أنجع من فضل تکرار و درسه^۲ «فضیلت درک و فهم مطالب علمی به مراتب نافع تر از فضیلت تکرار و خواندن و فرا گرفتن آن است.»

ج - مسیر تحقیقات و علم آموزی باید در اموری باشد که مورد نیاز جامعه است: منظور آن است که دست اندرکاران امر پژوهش و تعلیم باید محققین را در مسیری هدایت کنند که گره‌های کور و مشکلات اساسی را که مانع رشد و پیشرفت جامعه اسلامی است، بگشایند.

امام علی (ع) می‌فرماید: من عرف الايام لم یغفل عن الاستعداد^۳ «کسیکه اوضاع روزگار خود را می‌شناسد از آمادگی در مقابل مقتضیات آن غفلت نمی‌ورزد.» همچنین امام صادق (ع) فرموده‌اند: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس.»^۴ کسیکه به مقتضیات زمان خود عالم و آگاه می‌باشد مورد هجوم اشتباهات قرار نمی‌گیرد. و چه اشتباهی بالاتر از اینکه جامعه اسلامی از علمی نمودن ارکان خویش بازماند و دچار اشتباهاتی شود که آنرا به انحطاط کشاند. همچنانکه خداوند در قرآن در سوره انفال آیه ۶۰ می‌فرماید: و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه: «از هر نیرو و توانی که دارید استفاده کنید و در مقابل تهاجم دشمنان خود را آماده سازید.»

د- تحقیق باید در موضوعاتی باشد که بهتر نتیجه می‌دهد:

امام علی (ع) فرموده است: العلم اکثران يحاط به فخذوا من كل علم احسنه^۵: «دانش بیش

۱. بیست گفتار، ص ۲۷۰.

۲. غرر الحکم، ص ۵۱۷.

۳. تحف العقول، ص ۹۸.

۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷.

۵. فهرست غرر الحکم، ص ۲۶۵.

از آن است که بتوان به آن دست یافت، پس آن دانشهایی را فرا گیرید که شایسته‌تر است.»

با توجه به این سخن امیرالمؤمنین(ع) مسئولین جامعه اسلامی باید مسیر تحقیقات را در دانش‌هایی قرار دهند که سریع‌تر جواب می‌دهد و نتایج مفیدتری را در بر دارد و شاید مصداق این حدیث جنبش نرم‌افزاری در عصر حاضر باشد که رهبر انقلاب بارها به ضرورت آن اشاره کرده‌اند. همچنانکه رسول خدا(ص) وقتی مشاهده کرد توسعه فتوحات اسلامی و بسط امور نظامی ایجاب می‌کند که بعضی از اصحابش با سلاحهای جدید آشنا شوند، دو نفر از اصحاب خود را به جرش که یکی از روستاهای یمن بود فرستاد تا اطلاعات لازم را فرا گیرند.^۱

هـ- تحقیقات علمی باید در خدمت آرمانهای اخلاقی و منافع مردم باشد:

از دیدگاه اسلام، تحقیق و کسب علم در صورتی ارزشمند خواهد بود که علاوه بر تأمین منافع مادی بشر به ابعاد معنوی و اخلاقی بشریت آسیب نرساند، لذا از معصومین نقل شده است که: (من قال انا عالم فهُوَ جاهل) کسیکه خود را دانشمند بداند و به آن بنزد او نادان است.» یا امیرالمؤمنین(ع) فرموده‌اند: اکثر مصارع القعول تحت بروق المطاعم. «بیشتر انحرافات (سقوط) عقول بشری زیر اشعه طمع است.» آن حضرت در سخنی دیگر فرموده‌اند: من اطاع التَّوَّانِي ضيع الحقوق «هرکس تنبلی کند حقوق خویش را ضایع کرده است.» و در روایتی از امام باقر نقل شده است که فرمود: «عالم يَنْتَفِعُ به أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ الفِ عابِدٍ.»^۲ دانشمندی که مردم از علمش سود می‌برند، بر هفتاد هزار عابد برتری دارد.»

این روایات، محققین و دانشمندان را از پیروی هواهای نفسانی و خودخواهی که منشاء هر فساد است بر حذر می‌دارد و آنها را دعوت به اموری می‌کند که حل مشکلات مردم را در پی داشته باشد نه آنکه منفعت طلبی و سودپرستی آنها را ارضا نماید.

۱. الاسلام والحضارة العربية، ص ۱۰۳.

۲. منية المرید، ص ۲۹.

و - حکومت باید بستر علم و تحقیق را فراهم کند:

از آنجا که حکومت در ایجاد یک حرکت علمی و تحقیقی، بسیار می‌تواند تأثیرگذار باشد لذا حکومت اسلامی باید شرایط پیدایش و گسترش تحقیقات و برداشتن موانع را فراهم کند و به همین دلیل است که امام علی (ع) در حدیثی فرموده اند: *الناس بأمرائهم أشبه منهم بأبائهم*^۱ «مردم در روشهای اخلاقی و صفات اجتماعی به حاکمان بیشتر شباهت دارند، تا به پدران خویش»، و از آنجا که مردم استعدادهاى مختلفی دارند، حکومت موظف است شرایط رشد این استعدادها را در مردم فراهم کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة»^۲: «مردم دارای استعدادهایی هستند که همچون طلا و نقره ارزشمند هستند.» بنابراین استخراج این معادن ارزشمند با برنامه ریزی و اجازه دادن به بروز این استعدادها فراهم می‌شود.

البته حکومت برای جلوگیری از مادی‌گرایی در امر علم و تحقیق لازم است برنامه ریزی مناسبی داشته باشد و این حاصل نمی‌شود مگر با طرد عناصر ناباب و تشویق و تقویت افراد لایق، همچنانکه حضرت علی در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر فرماید: «به آنان میدان بده تا به آرزوی مشروع خود برسند و پیوسته به نیکی یادشان نما، کسانی که با تحمل رنج و زحمت به خوبی امتحان داده و انجام وظیفه کرده اند خدماتشان را یک به یک به زبان بیاور و قدردانی کن چه آنکه تشویق مکرر از کارهای خوب دلیران را در انجام وظایف تهییج می‌نماید و شجاعت می‌بخشد.»

ز - رواج دادن فرهنگ سخت‌کوشی و تلاش:

اسلام دینی است که بسیار به تلاش و کوشش ارج نهاده و آن را بزرگ شمرده تا آنجا که در قرآن کریم آمده که «و ان لیس للانسان الا ما سعی» (سوره نجم / ۳۹) و حق لازمه اعتقاد به معاد را در پر تلاش بودن دانسته است. آنچنان که رسول اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید:

ان العبد لا تزول قدماه يوم القيامة حتى يسأل عن عمره فيما افناه و عن شبابه فيما ابلاه^۳.

۱. در مکتب اهل بیت، ص ۱۴۶.

۲. روضه کافی، ص ۱۷۷.

۳. در مکتب اهل بیت، ص ۶.

«در قیامت هیچ بنده ای قدم از قدم بر نمی دارد تا اینکه از او پرسیده می شود عمرش را در انجام چه کاری به پایان رسانده و جوانیش را چگونه و در چه راهی تمام کرده است.» و ما وقتی به سیره اهل بیت مراجعه می کنیم مشاهده می کنیم که زندگی آنان سراسر تلاش و کوشش برای رشد و معرفت و تربیت انسانهای صالح بوده است و آنجا که مانند امام علی (ع) به حکومت رسیده اند این تلاش و کوشش را در جهت حل مشکلات مادی مردم بسیار فراگیرتر کرده اند و آنجا که شرایط برای تعلیم و تعلم و تحقیق فراهم بوده است به تلاش در جهت گسترش دانش دست زده اند که مصداق بارز آن عصر امام باقر و امام صادق علیهما السلام است.

امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر می نویسد: (با دانشمندان زیاد به گفتگو بنشین و یا حکما و اندیشمندان بسیار به بحث و گفتگو بپرداز و این بحث و گفتگوها باید در اموری باشد که به وسیله آن کشورت را اصلاح کند و آنچه را که موجب قوام کار مردم پیش از تو بوده تقویت کند). همچنین در نامه ۳۱ نهج البلاغه می فرماید: عون نفسک التصبر عن المکروه: «خود را به پایداری در مقابل سختی ها عادت بده.»

ح - عالم و محقق چه خصوصیتی را باید دارا باشد:

در این بخش خوانندگان را به کتاب منیه المرید اثر ارزشمنند شهید ثانی ارجاع دهیم که به نحو کافی و وافی به بیان آداب تعلیم و تعلم و صفات و خصوصیات اهل علم پرداخته است و ما فقط به اجمال به عنوانهای این بحث اشاره می نماییم.

- ۱- عالم و محقق باید دارای خلوص نیت باشد. ۲- به علم خویش عمل نماید ۳- توکل به خدا داشته باشد ۴- دارای حسن خلق و فروتنی باشد ۵- در جهت کسب مکارم اخلاقی تلاش کند ۶- عفت نفس و علو همت داشته باشد. ۷- به وظایف دینی و اخلاقی عمل کند.
- ۸- از جدال و ستیزه جویی پرهیز کند. ۹- در همه حال از تحصیل علم و آگاهی بیشتر غفلت نورد. ۱۰- در برابر حق تسلیم باشد. ۱۱- به نظافت و آراستگی ظاهر اهمیت دهد.
- ۱۲- در امر تحقیق و تعلیم تمام تلاش خود را بکار گیرد. ۱۳- از گفتن حق ابا نداشته باشد. ۱۴- در بیان مسائل علمی، نظم و ترتیب منطقی را رعایت نماید. ۱۵- ترس از گفتن «کلمه نمی دانم» نداشته باشد. ۱۶- در کار خویش نظم و انضباط را رعایت نماید. ۱۷- شاگردپرور و مشوق شاگردان در امر تحقیق و تعلیم باشد. ۱۸- علمی را که تخصص

ندارد تقبیح و تخطئه ننماید.

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- آمدی، عبدالواحد: «غرر الحکم و دررالکلم»، انتشارات امام عصر(عج)، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۲.
- ۴- الاسلام و الحضاره العربیه.
- ۵- تحت العقول.
- ۶- روضه کافی.
- ۷- سفینه البحار.
- ۸- شهید ثانی، زین الدین ابن علی: «منیه المرید فی آداب المفید و المستفید».
- ۹- فلسفی، محمد تقی: «در مکتب اهل بیت».
- ۱۰- کلینی، محمد بن یعقوب: «اصول کافی»، ج ۱، انتشارات وفا، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۱- کنز العمال، ج ۱۰.
- ۱۲- مجلسی، محمدباقر: «بحار الانوار»، ج ۱.
- ۱۳- مطهری، مرتضی: «بیست گفتار»، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۴- مطهری، مرتضی: «خدمات متقابل اسلام و ایران»، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۶.
- ۱۵- واسطی، عبدالحمید: «راهنمای تحقیق»، انتشارات دارالعلم، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۲.
- ۱۶- ورام ابن ابی فراس: «مجموعه ورام»، مکتبه الفقیه، قم، ۱۳۷۶. ه. ق.